

نقش فرزند آوری از طریق دریافت جنین: بررسی حق طلاق زوجه در خصوص بند ۱۰ سند ازدواج

سید احسان رفیعی علوی*

محمد صادق ذوقی**

مشخصات رأی مرحله بدوی، تجدیدنظر

شماره رأی بدوی: ۲۵۴۲ - ۱۳۹۰/۱۲/۲۱

مرجع رسیدگی بدوی: دادگاه عمومی حقوقی چناران

شماره رأی تجدیدنظر: ۱۴۱۱ - ۱۳۹۱/۶/۲۹

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی

شماره دادنامه بدوی: ۱۶۸۶

تاریخ صدور دادنامه: ۱۳۹۰/۱۱/۱۵

مرجع رسیدگی بدوی: شعبه ۲۶۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران

شماره دادنامه تجدیدنظر: ۰۰۵۸۹

تاریخ صدور دادنامه: ۱۳۹۲/۴/۳۱

مرجع رسیدگی تجدیدنظر: شعبه ۴۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران

* مدرس حوزه علمیه قم و عضو مدعو دانشگاه امام صادق(ع)

rafiealavy272@gmail.com

** کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوق اسلامی دانشگاه امام صادق(ع)



۱. وقایع پرونده:

در طول تاریخ، خانواده مهم‌ترین واحد و نهاد اجتماعی بوده است؛ چراکه شکل‌گیری شخصیت و ویژگی‌های اخلاقی و رفتاری افراد و نیز آینده آنان در این نهاد به‌ظاهر کوچک اتفاق می‌افتد،^۱ لذا یکی از حوزه‌های مهم هنجاری و حقوقی در جامعه، موضوع حقوق خانواده و نیز وظایف و حقوق هر یک از اعضای این نهاد اجتماعی است. ضرورت توجه ویژه به این حوزه از قانون‌گذاری، به دو دلیل نسبت به گذشته افزایش یافته است:

اولاً، در جوامع امروزی تأثیر هنجارپذیری اجتماعی^۲ به‌شدت افول کرده و کاهش پذیرش قواعد اخلاقی، عرفی و فرهنگی باعث کاهش قوام حیات نخستین نهاد اجتماعی (خانواده) شده است.^۳ در مقابل، جامعه امروزین هجم فزآینده‌ای از این وظایف هنجاری را از قانون و قضاء مطالبه می‌کند. هرچند باید اذعان نمود دامنه و فراخنای طیف کارکردهای اجتماعی قانون و قضاء در حد و اندازه‌ای است که به‌طور طبیعی و منطقی، گستره اخلاق خانوادگی و تعاملات آن را دربر نمی‌گیرد.^۴

ثانیاً، با تغییر و تحول در ساختار اجتماعی و در پی آن، تغییر و تطور در ماهیت نهادها نقش‌پذیری اجتماعی^۵ نیز دگرگون شده^۶ است. بنابراین، مسائل جامعه امروز نیازمند قواعد حقوقی و فقهی جدیدی است؛ بدان معنا که برای پاسخ به این مستحدث اجتماعی و تهافتات آن، و نیز به‌منظور برخورد با این نهادها و ساختارهای نوین، به پویایی فقهی و حقوقی نیاز دارد. برای مثال، تا پیش از توسعه و فراگیری آفرینش‌شناسی یا ژن‌شناسی،^۷ نیاز و روی آوردن به مسائل فقهی - حقوقی آن احساس

1. Schneider, David, *A Critique of the Study of Kinship*, Ann Arbor: University of Michigan Press, 1984, p. 182.

2. Social Values

۳. محمد کاوه، آسیب‌شناسی بیماری‌های اجتماعی (تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول، ۱۳۹۱)،

ج ۱، ص ۲۹ به بعد.

۴. محمود حکمت‌نیا و دیگران، *فلسفه حقوق خانواده* (تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تهران،

۱۳۸۶)، ج ۲، صص ۱۳۱-۱۳۶.

5. Social Roles

6. Jean Cazeneuve, *L'avenir de la morale*, Editions du Rocher, 1998, p.17, 23.

7. Genetics

نمی‌شد، اما امروزه شاهد تحول و تطور در این حوزه از فقه خانواده هستیم.^۱ توجه خاص اسلام در فقه متعالی امامیه به مسئله حفظ نسل،^۲ اختلاط نسل^۳ و تأثیر آن در تربیت عمومی جامعه نیز به عنوان چندی از ارزش‌های خانواده در اسلام^۴ نیز موضوع اهمیت را دو چندان نموده است.

از جدیدترین حوزه‌های فقهی - حقوقی که ناشی از تحولات تکنولوژیکی مورد تحول قرار گرفته، مسائلی چون ابوت، بنوت و ولادت است. مهم‌ترین تجلی این امر را می‌توان در موضوع فرزندآوری، روش‌های جدید بارداری، تلقیح مصنوعی، رحم اجاره‌ای و اهداء جنین مشاهده کرد. با ظهور چنین روش‌هایی، سؤالات مهم در مورد انتساب این فرزندان به پدر و مادر، حسب و نسب آنان، ارث و وصیت و مسائلی دیگر که مربوط به این حوزه می‌باشد ایجاد شد که بنا به ضرورت ایجاد شده باید درصدد پاسخ متناسب فقه و حقوق به این سؤالات برآمد.^۵

اگر موضوع حقوق خانواده و مسائل نوظهور قضایی آن، مبتنی بر آسیب‌شناسی باشد این آسیب‌ها را می‌توان در سه نکته خلاصه کرد:

۱. در حقوق موضوعه، چنین موضوعاتی نبوده است، لذا نصوص و رویه‌های قانونی و قضایی در این خصوص وجود ندارد.

۱. برای مشاهده از آخرین دستاوردهای فقهی در این حوزه نک: محسن غروی‌ان، متن درس خارج فقه ژنتیک مدرسه عالی آیت‌الله العظمی گلپایگانی قم، ۱۳۹۶.

۲. زین‌الدین بن‌علی بن‌مشفرف عاملی، *مسالك الأفهام إلى تنقيح شرائع الإسلام* (قم: مؤسسه المعارف الاسلامیه، ۱۴۱۳ هـ ق.)، ج ۹، ص ۲۷۱.

۳. محمدبن محمد غزالی، *المستصفی من علم الأصول* (به ضمیمه فواتح الرحموت بشرح مسلم الثبوت)، (بیروت: دار الازرقم بن‌ابی‌الازرقم، بی‌تا)، ج ۱، ص ۲۸۷.

۴. شیخ محمدبن حسن حرّ عاملی، *وسائل الشیعه فی تحصیل مسائل الشریعه* (قم: مؤسسه آل‌ال‌بیت علیهم‌السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ هـ ق.)، ج ۴، ص ۱۸، ج ۲۱، ص ۴۲۱ و ۴۷۸.

۵. برای اطلاع بیشتر درخصوص مسئله‌شناسی نک: سیدطه مرقاتی، «نسب ناشی از لقاح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه»، *نشریه مقالات و بررسی‌ها*، ش ۷۵ (۱۳۸۳): ص ۱۲۸ تا ۱۴۸؛ علی‌اصغر حاتمى، «لقاح مصنوعی از دیدگاه حقوقی»، *نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضایی*، ش ۱۵ و ۱۶ (۱۳۷۸): ص ۵۷ تا ۷۴؛ فهیمه ملک‌زاده، «بررسی مسئله لقاح مصنوعی با رویکرد فقهی - حقوقی»، *نشریه فقه و حقوق خانواده*، ش ۴۸ (۱۳۸۷): ص ۷۶ تا ۹۰.

۲. بنا بر نوظهور بودن این گونه موضوعات، در فقه و مباحث استدلالی فقهاء بحث و گفت‌وگوی تفصیلی انجام نشده است تا بتوان در دامنه علمی آن رویه قضایی را منقح و منضبط نمود.

۳. موضوع سومی که تأثیر مهمی در عقیم ماندن مباحث فقهی و حقوقی در موضوعات مورد بحث دارد، «عدم ماهیت‌شناسی و موضوع‌شناسی» دقیق از مسائل حوزه ژنتیک است. برای مثال، در موضوع رحم اجاره‌ای، بسیار مهم است که: آیا اصولاً درمورد موضوعی چون رحم می‌توان احکام اجاره را جاری کرد یا خیر؟ به‌طور کلی ماهیت رحم اجاره‌ای چیست؟ آیا شکلی از اشکال اجاره انسان تلقی می‌شود؟^۱

لذا با وجود این‌گونه تحولات در حوزه موضوعات فقهی و حقوقی لازم است فرآیندها و تحولات حوزه ژنتیک، مورد بررسی و بازخوانی قرار گیرد تا هم شناخت دقیقی از تحولات ژنتیک که تأثیر فراوان در مباحث فقهی - حقوقی دارد داشته باشیم و هم با نظام جدید مسائل آشنا شویم و این آشنایی می‌تواند مقدمه‌ای باشد برای تبیین معرفت حقوقی در این خصوص.

طرح مسئله:

یکی از موضوعات نوظهور که مباحث و احکام حقوقی را تحت تأثیر قرار داده است، موضوع «ناباروری زوجین» و یا به عبارتی «تلقیح مصنوعی» است که در نحوه تحلیل و برداشت مفسرین و قضات از مواد قانونی تأثیر گذاشته است:

در بند ۱۰ اسناد نکاح آمده است: «اگر با گذشت ۵ سال از ازدواج، زن از همسر خود به خاطر عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزندی نشود مرد به زن وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر داده که با مراجعه به دادگاه و دریافت حکم از دادگاه، خود را مطلقه نماید».

موضوع این پژوهش بررسی تحقق حق طلاق زوجه در ناباروری زوج در صدق بند ۱۰ سند نکاحیه می‌باشد که در دادگاه‌های مختلف بدوی و تجدیدنظر مورد تعارض قرار گرفته است.

۱. برای اطلاع بیشتر درباره رویه فقه امامیه در مستحدثات حقوق خانواده نک: ابوالقاسم خویی، مستحدثات المسائل مطابقه لفتاوی سماحه الامام المرجع الاعلی للمسلمین زعیم الحوزه العلمیه (بغداد: مطبعه الآداب بغداد،

نکته‌ای که در اینجا ملحوظ نظر در آراء قضایی و در استنادات زوجین بوده است، مسئله رجوع به دادگاه و اجازه دریافت جنین از طریق ظرفیت‌های دانش ناباروری، موضوع قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور می‌باشد.^۱ روش کار این‌گونه خواهد بود که ابتدا ادله موافقین و مخالفین را بررسی نموده و سپس رویکرد تفصیلی خود را در خصوص مسئله، مورد واکاوی قرار خواهیم داد.

متن رأی

در دو پرونده مشابه، زوجین درحالی‌که از ازدواجشان بیش از پنج سال می‌گذرد به علت ناباروری زوج، با استناد به تحقق بند ۱۰ قسمت ب شروط ضمن عقد نکاحیه، اقدام به طرح دعوی می‌نمایند. این در حالی است که در هر دو پرونده مسبوق به مراجعه به دادگاه برای طلاق با استناد با این بند؛ هر دو زوجه با مراجعه به دادگاه جهت دریافت جنین، موضوع ماده ۲ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور درخواست داده، جنین دریافت نموده و هم‌اکنون دارای ولد از این طریق هستند. براساس بند ۱۰ سند نکاحیه:

اگر با گذشت پنج سال از ازدواج، زن از همسر خود به‌سبب عقیم بودن و یا عوارض جسمی دیگر، صاحب فرزندی نشود مرد به زن وکالت بلاعزل با حق توکیل به غیر داده که با مراجعه به دادگاه و دریافت حکم از دادگاه، خود را مطلقه نماید. در این خصوص، شعبه ۱۵ دادگاه تجدیدنظر استان خراسان رضوی به‌موجب رأی شماره ۱۴۱۱ - ۱۳۹۱/۶/۲۹ با استدلال بر عقیم بودن زوج و تحقق شرط دهم از شروط ضمن عقد، حتی با اهداء جنین، این حق را برای زوجه ثابت دانسته است و براین اساس به زوجه اجازه داده تا با اعمال وکالت مندرج در سند رسمی ازدواج و با انتخاب نوع طلاق، خود را مطلقه نماید؛ درحالی‌که شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی چناران در رأی شماره ۲۵۴۲ - ۱۳۹۰/۱۲/۲۱ به استناد عدم اعمال حق در فرصت معین و بنا به مصلحت فرزند، حکم به اسقاط حق به‌واسطه پذیرش جنین و فرزند و ذی‌حق نبودن زوجه می‌نماید.

از سوی دیگر، شعبه ۴۰ دادگاه تجدیدنظر استان تهران در دادنامه شماره ۰۰۵۸۹ مورخ ۱۳۹۲/۴/۳۱ در پرونده کلاسه ۰۰۱۵۸ با این استدلال که دریافت جنین

۱. قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور، مصوب بیست و نهم تیر ماه یک‌هزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی.

به معنای انصراف از استفاده از بند ۱۰ سند نکاحیه می‌باشد، حکم به بی‌حقی زوجہ صادر نموده است و از این طریق رأی شعبه ۲۶۳ دادگاه عمومی حقوقی تهران در دادنامه ۱۶۸۶ مورخه ۱۳۹۰/۱۱/۱۵ در پرونده کلاسه ۱۲۴۷ را تأیید می‌کند. لذا درصدد هستیم تعارض آراء در این دو پرونده به‌همراه ادله اقامه‌شده در هر مورد را، بررسی و در پایان، به‌منظور حل این تعارضات، پاسخ صحیحی به عنوان راهبرد ارائه نماییم:

۲. ادله موافقین و مخالفین حق طلاق زوجہ

۲.۱. ادله فقهی حقوقی موافقین حق طلاق زوجہ

۲.۱.۱. عواطف انسانی زن نسبت به فرزند و علاقه فرزندآوری زوجہ^۱

یکی از ادله‌ای که بر ذی‌حق بودن زوجہ اقامه می‌شود دلیلی است روانشناسانه که هدف از ازدواج را توالد و تناسل می‌داند، لذا پس از ازدواج و فروکش کردن هیجانات میان زوجین، آنان به‌منظور پایداری و پایایی زندگی تمایل به بچه‌دار شدن پیدا می‌کنند. بنابراین، هر مانعی که سدّ مسدّد این مسئله باشد روند زندگی خانوادگی را به خطر می‌اندازد. فلذا قانون‌گذار مقرر کرده است هر مسئله‌ای که مانع از فرزنددار شدن باشد، به طرف دیگر حق درخواست طلاق دهد. این مسئله به‌قدری حائز اهمیت است که قانون‌گذار حتی به طرفین اجازه داده قراردادی را امضاء کنند که در صورت فرزنددار نشدن، با دریافت جنین بتوانند صاحب فرزند شوند (اشاره به قانون اهداء جنین).

موافقین حق طلاق زوجہ معتقدند مسئله اهداء جنین، هیچ‌وقت ارضاء‌کننده عواطف مادرانه نیست، زیرا نه روش اهداء جنین روشی است محمول بر قاعده و رسم و نه نسل، از نسل طرفین. بنابراین، زن می‌تواند درخواست طلاق نماید. بنا بر این دیدگاه، هدف زوجہ در ضمن عقد نکاح، مسئله ازدیاد نسل از طریق نسب واقعی می‌باشد و بنای بند ۱۰ هم ولد طبیعی است و استفاده از قانون اهداء جنین نمی‌تواند مسقط حق طلاق زوجہ باشد. این نظر مبتنی بر دو مؤلفه است:

۱. دلیل مذکور ازجمله دلایلی است که از استادان مدعو در نشست تخصصی - با موضوع «تعارض رأی» که در پژوهشگاه قوه قضاییه برگزار شده - اصطیاد شده است.

• مؤلفه اول

لازمه و مقتضای عقد ازدواج، فرزندآوری است. در تعریف مقتضای عقد گفته‌اند: مقتضای ذات هر عقد، نتیجه و اثر مستقیمی است که طرفین به قصد حصول آن، عقد را منعقد می‌کنند.^۱ به نظر می‌رسد این مؤلفه، مخدوش و ناصحیح می‌باشد، چون بنا به نظر اهل لغت و از جهت ظهور الفاظ، ذات عقد نکاح، زوجیت است.^۲ علاوه بر دلالت الفاظ، فقهاء نیز مقتضای ذات عقد نکاح را رابطه زوجیت ذکر کرده‌اند^۳ و در دانش فقه و حقوق هم به همان غرض اصلی که زوجیت باشد «مقتضای عقد» گویند.^۴ توالد و تناسل از اغراض جنبی مهم هستند ولی مقتضی و سبب ذات نکاح محسوب نمی‌شوند و برخی ادعاها در این خصوص^۵ نیز باید به انصراف غیرذات عقد تعریف شوند. پس اگر کسی فرزندآوری یا مؤلفه دیگری را به عنوان ذات عقد معرفی کرده مراد او از این ذات عقد، معنای اصطلاحی آن نبوده است، لذا استناد فرزندآوری از جهت غرض ذاتی، به عنوان مبدأ نکاح، نقض می‌شود و از این جهت نمی‌توان حکم به ذی‌حق بودن زوجه داد. افزون بر آن، در محورهای بعدی مقاله درخصوص فرزندآوری نقدهای دیگری مطرح خواهد شد.

• مؤلفه دوم

نکته دیگری که این نظر به آن اشاره می‌کند این است که فرزندی که از طریق اهداء جنین حاصل شده (از طریق دخالت اسپرم ثالث)، صحت انتساب به زوجین ندارد و عرفاً نمی‌توان گفت این فرزند،^۶ فرزند زوجین است و زمانی که این فرزند صحت انتساب به

۱. مهدی شهیدی، **شروط ضمن عقد** (تهران: انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶)، ص ۱۱.
۲. برای تفهیم و دریافت بیشتر درخصوص ریشه واژه و نیز توضیحات نگارندگان نک: محمدبن مکرم ابن‌منظور، **لسان العرب المحیط**، به کوشش یوسف خیاط و ندیم مرعشلی (بیروت: دار لسان العرب، ۱۳۸۹ هـ. ق. / ۱۹۷۰ م.)، ذیل ماده «نکح»؛ فخرالدین‌بن محمد طریحی، **مجمع البحرین و مطلع النیرین** (تهران: مکتبه المرتضویه لاحیاء الآثار الجعفریه، ۱۳۷۵)، ج ۴، ص ۳۶۹.
۳. محمدحسن نجفی، **جواهرالکلام** (بی‌جا، بی‌تا)، ج ۲۹، ص ۵.
۴. سیدجلال‌الدین مدنی، **حقوق مدنی** (تهران: نشر پایدار، چاپ اول، ۱۳۸۲)، ج ۸، ص ۲۸۷.
۵. سیدابوالقاسم نقیبی و سیدمحمدعلی صدرطباطبایی، «جایگاه توالد و تناسل در حقوق و اخلاق اسلامی»، **نشریه اخلاق زیستی**، دوره ۵، ش ۱۷ (۱۳۹۴): ص ۱۴۷ تا ۱۶۸.
۶. مسئله عدم انتساب، عرفی است و نیاز به بیان علت و دلیل خارجی ندارد ولی با در نظر گرفتن وجه برای این عدم باید اذعان نمود که «انتساب» و «عدم انتساب» ناظر به منشأ و علت می‌باشند و از آنجا که منشأ

زوجین نداشته باشد به این معناست که زوجین محل بحث دچار عدم فرزندآوری و عقیم بودن می‌باشند و موضوع بند ۱۰ محقق شده، زوجه ذی‌حق خواهد بود. این نکته فی‌نفسه، صحیح است و جنین اهدائی (از غیر) به لحاظ عرفی صحت انتساب به زوجین ندارد ولی برای صدور چنین حکمی، چند موضوع باید تفکیک شود:

(۱) اثبات محقق شدن موضوع ماده ۱۰ سند نکاح: بدین معنا که اثبات شود زوج به هیچ نحو از انحاء ممکن (چه به‌طور طبیعی و چه به شکل روش‌های ژنتیکی) نمی‌تواند صاحب فرزند گردد، چون اگر بتوان با هریک از روش‌های نوین باروری، از اسپرم مرد، نطفه‌ای منعقد کرد این نطفه و فرزند به لحاظ عرفی و شرعی، صحت انتساب به زوجین دارد و در این صورت موضوع ماده ۱۰ سند نکاح، منتفی می‌شود و حق طلاق برای زوجه باقی نمی‌ماند.

(۲) برای ذی‌حق بودن، زوجه باید اثبات کند که هیچ مانعی برای اعمال این حق وجود ندارد، چون مانعی که برخی می‌توانند به آن استناد کنند این است که اقدام زوجه به اخذ جنین و استفاده از قانون اهداء جنین عرفاً عدول از حق طلاق می‌باشد (همان‌گونه که دادگاه بدوی تهران و رأی شعبه ۴۰ تجدیدنظر تهران با استناد به این مورد بوده است). پس این دلیل نه به نحو مطلوب، موضوع بند ۱۰ را اثبات کرده و نه به موانع ذی‌حق بودن زوجه پاسخ داده است.

۲.۱.۲. فرزندآوری طبیعی مسقط حق زوجه

دیدگاه دیگری که می‌توان بر ذی‌حق بودن زوجه اقامه کرد این است که ماهیت فرزند در بند ۱۰ سند نکاح، مشمول فرزندآوری طبیعی زوجین است و فرزندآوری از طریق اهداء جنین، منقضی حق طلاق زوجه نخواهد بود. این بیان را می‌توان در رأی تجدیدنظر، موافق حق طلاق نیز مشاهده نمود. از دیدگاه مزبور می‌توان دو معنا برداشت کرد:

• معنای اول

فرزندآوری از طریق اهداء جنین اصولاً و عرفاً امکان صحت انتساب به زوجین ندارد (در موردی که جنین، متعلق به غیر است) و فرزندى که از این طریق اخذ شده نمی‌تواند موضوع ماده ۱۰ سند نکاح را منتفی کند و کماکان زوجه نسبت به اقامه طلاق ذی‌حق است. اگر این برداشت، منظور نظر این دیدگاه باشد، صحیح است ولیکن باز هم پاسخ‌گوی این اشکال که اخذ جنین عدول از حق طلاق می‌باشد نیست (چنانکه در پاسخ پایانی دلیل اول موافقین بدان اشاره شد).

• معنای دوم

معنای دوم، معنایی اعم از معنا و برداشت نخست است. با این توضیح که علاوه بر اهداء جنین، روش‌های نوظهور ژنتیکی (تقویت اسپرم مرد در آزمایشگاه و تزریق آن به رحم زن) نمی‌تواند مصداق فرزندآوری باشد چون از طریق طبیعی و معمولی نیست و آنچه مراد اصلی می‌باشد فرزندآوری از طرق طبیعی و معمول است که باید بیان کرد برداشت و استنباط معنای اعم کردن، صحیح نیست زیرا گذشته از آنکه فرزند حاصل از تقویت اسپرم، صحت انتساب به زوجین دارد انصراف فرزندآوری به طرق طبیعی نیز ناشی از انصراف بدوی است^۱ و علت انصراف بدوی وجود مصداق کثیر در خارج می‌باشد^۲ و علمای اصول فقه این نوع انصراف را صحیح نمی‌دانند با این استدلال و باور که اطلاق مورد تمسک مخالفین، وجود حق را از میان نمی‌برد.^۳

۲.۱.۳. تفسیر موسع و مضیق در عنوان فرزند

نظر و دلیل دیگری که می‌توان برای حل مسئله در نظر گرفت استفاده از روش تفسیر بند ۱۰ سند نکاح می‌باشد و نکته کلیدی به‌منظور رسیدن به راهکار و

۱. محمدباقر صدر، بحوث فی علم الأصول (قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم‌السلام، ۱۴۱۷ هـ ق.)، ج ۳، ص ۴۳۱.

۲. محمدجعفر جزایری، منتهی السدراية فی توضیح الکفاية (قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۵ هـ ق.)، ج ۳، ص ۷۳۰.

۳. محمدحسین نائینی، أجدود التقریرات (قم: مطبعة‌العرفان، ۱۳۵۲ هـ ش.)، ج ۱، ص ۵۳۲.

پاسخ درست را می‌توان در تفسیر کلمه «فرزند» در بند ۱۰ دانست. در اینجا آنچه به ذهن متبادر می‌شود ابهام در کلمه مزبور است؛ بدان معنا که: مقصود از اطلاق فرزند چیست؟ آیا واژه مزبور از دایره مفهومی وسیعی برخوردار است؛ مانند: تقویت رحم، تقویت اسپرم و...؟ آیا فرزند، همان طفلی است که از طرق معمولی و مشهور برای زوجین حاصل شده است و یا فرزند محقق شده از راه‌های غیرمعمولی را هم دربرمی‌گیرد؟ بنابراین در صورت قائل نبودن به توسعه مفهومی واژه مذکور، فرزند حاصل از اهداء جنین، مسقط حق طلاق زوجه نخواهد بود ولی اگر معتقد به توسعه مفهومی باشیم فرزندی که از طریق اهداء جنین و تقویت اسپرم حاصل شده، مسقط حق طلاق زوجه خواهد بود. این دلیل متضمن دو اشکال است:

• اشکال اول

برای یافتن معنا و مفهوم کلمه «فرزند» و رسیدن به پاسخی روشن باید به دلالت عرفی این کلمه رجوع نمود بی‌آنکه متوسل به تفسیر و روش‌های تفسیر حقوقی آن شویم. در مورد انواع مختلف فرزندآوری، حکم و دلالت عرفی متفاوت است؛ اگر موجودیت فرزندی، از طریق تقویت اسپرم، تغییرات ژنتیکی و بافتی در سلول‌های زوج باشد و اسپرمی که به زوجه تزریق می‌شود به نحوی از زوج به‌دست‌آمده باشد در این مورد، عرف و شرع بدون هیچ مانعی به صدق عنوان «ولد» حکم می‌کند؛ یعنی فرزند حاصله از طرق مزبور از مصادیق فرزند به‌شمار می‌آید و عقیم بودن، منتفی است. پس دلالت کافی در خصوص فرزند در مورد موضوع بند ۱۰ سند نکاح وجود دارد و نیازی به توسعه و تزییق مفهومی نیست.

• اشکال دوم

اشکال دیگر موجود بر این توسعه مفهومی این است که طبق این دیدگاه، حالت اهداء جنین، صدق عنوان ولد و فرزند غیرممکن می‌باشد و بلافاصله باید به حق طلاق زوجه، حکم نمود در صورتی که این امر، صحیح نیست، و همان‌طور که پیش‌تر گفته آمد اگر نطفه به‌وجودآمده به نحوی منسوب به زوج باشد، فرزند حاصله هم منتسب به آنهاست، لذا عقیم بودن، منتفی است و حقی برای زوج وجود

ندارد و باید گفت غرض از بند ۱۰، عقیم مطلق بودن است و نه صرف مطلق عقیمی (عقیم قابل درمان). البته فرض دخالت اجنبی در لقاح جنین هنوز مشکوک بوده و استثناء خواهد شد و در قول مختار بدان خواهیم پرداخت. پس تا این مرحله، مسئله عقیم بودن و صدق عرفی و شرعی ولد از طریق کمک‌های ژنتیکی جز در مورد دخالت اجنبی، منتفی است و نافی ایجاد حق بند ۱۰ برای زوجه می‌باشد.

۲.۱.۴. حق یقینی ایجادشده زوال یقینی می‌خواهد

مهم‌ترین ادله‌ای که می‌توان برای ذی‌حق بودن زوجه اقامه کرد این است که حق طلاق زن به واسطه عقیم بودن مرد ایجاد یقینی پیدا کرده است (که البته در سطور فوق در مانحن‌فیه، وجود مقتضی و مانع ایراداتی، قید شد) و این حق به منظور زوال یافتن، نیازمند دلیل خاص است و با اطاله آن حق زایل نمی‌شود؛ چنانکه دادگاه بدوی خراسان رضوی با استناد به این دلیل، حکم به ذی‌حق بودن زوجه نموده است.

این نظر فی‌نفسه - فارغ از اینکه در مقابل کدام دلیل از مخالفین اقامه شود - نکته صحیحی است، ولی باید افزود که این دلیل را می‌توان از دو وجه نسبت به مخالفین حق طلاق زوجه اقامه کرد:

وجه اول: یکی از ادله مخالفین حق طلاق زوجه، استناد به مرور زمان است؛ یعنی با گذشت مدت زمان طولانی از عقیم بودن زوجه، این دعوا مشمول مرور زمان شده و زوجه حق اقامه دعوا ندارد. اگر دلیل مذکور نسبت به این دلیل مخالفین اقامه شود صحیح است، چون موضوع بند ۱۰ سند نکاح (عقیم بودن زوج)، محقق شده و از جهت دیگر در هیچ‌یک از قوانین مربوطه (قانون اهداء جنین و آیین‌نامه اجرایی اهداء جنین) اشاره‌ای به وجود مرور زمان برای اقامه دعوا در این مورد وجود ندارد، لذا استناد به مرور زمان برای بی‌حق بودن زوجه صحیح نیست.

وجه دوم: دلیل دیگری که بر بطلان حق زوجه اقامه شده است اینکه اگر بتوان نطفه را از طرق نوظهور ژنتیکی (تقویت اسپرم)، تلقیح نمود چون صحت انتساب عرفی وجود دارد، موضوع بند مزبور سند نکاح (عقیم بودن زوج) منتفی

شده است، لذا زوجه حق اقامه دعوا ندارد. اگر دلیل مذکور در مقابل این دلیل از مخالفین اقامه شود صحیح نیست و نمی‌توان به صرف عدم تلقیح نطفه از طرق معمولی، حکم به عقیم بودن زوج نمود و با استناد به اینکه موضوع بند ۱۰ محقق شده و زوال آن هم دلیل یقینی می‌خواهد حکم به ذی‌حق بودن زوجه نمود چون اصولاً موضوع بند ۱۰ که عقیم بودن است محقق نشده و چنین زوجی (که برای مثال، از طریق تقویت اسپرم می‌توان نطفه را از اسپرم او منعقد کرد)، عرفاً عقیم محسوب نمی‌شود لذا هنوز موضوع بند فوق‌الذکر محقق نشده تا بتوان به عدم زوال یقینی آن استناد کرد. پس استناد به دلیل چهارم از این جهت دچار اشکال می‌شود و صحیح نیست.

علاوه بر اشکال موجود در وجه دوم، اشکال دیگری بر دلیل چهارم وارد است و آن اینکه برخی برای نفی ذی‌حق بودن زوجه استناد کردند به اینکه اقدام زوجه به أخذ جنین اهدائی، اماره بر عدول او از حق طلاق است، لذا استناد به دلیل چهارم و اینکه زوال حق ایجادشده دلیل یقینی می‌خواهد، نمی‌تواند پاسخ‌گوی این اشکال و مانع باشد. در نتیجه، دلیل مزبور برای حل مسئله، به پاسخ نهایی اشاره نکرده و علاوه بر این، اشکالات موجود را هم پاسخ نداده است.

۲.۲. ادله فقهی - حقوقی مخالفین حق طلاق برای زوجه

۲.۲.۱. عدم پذیرش دلایل طرف مقابل

تاکنون ادله مختلفی دالّ بر ذی‌حق بودن زوجه از نگاه موافقین بیان شد؛ برخی در متن آراء مذکور، قید شده و پاره‌ای نیز توسط صاحب‌نظران مطرح شده بود که تقریباً پاسخ قطعی به همه ادله از طرف مخالفین انجام پذیرفت و نخستین مستند مخالفین، فقد دلیل از طرف موافقین است. درحقیقت دلیل اول و جامع مخالفین، دلیل نقضی ادله موافقین است.

۲.۲.۲. سیاست حفظ خانواده در فقه و حقوق

یکی از ادله‌ای که دالّ بر بی‌حقی زوجه اقامه شده - همان‌طور که مستند در رأی شعبه ۱ دادگاه عمومی حقوقی چناران ذکر شده است - مصلحت فرزند

ناشی از اهداء جنین می باشد که این مهم، اقتضاء دارد حکم به عدم امکان طلاق شود و از این طریق، آینده و تربیت طفل به خطر نیفتد. به علاوه، تعهدات قانون اهداء جنین دلالت بر این امر دارد که اخذ جنین همراه با تعهدات و مسئولیت‌هایی است که ایفای قسم اعظم این تعهدات منوط به وجود خانواده و عدم طلاق زوجین است. نکته دیگری که قائلین به این دلیل، برای تأیید و صحت نظر خود بیان کرده‌اند استناد به ضرورت حفظ کیان و نیز نهاد مقدس خانواده است و خود شارع و خداوند هم داعی بر استواری این بنا دارد، از آنجا که حفظ و تعالی نفوس که از مقاصد^۱ و مذاق شریعت^۲ است باید این مؤلفه پیوسته در تقنین و ترتیب قضاء ملحوظ شود و مورد توجه قرار گیرد، لذا اقتضاء این نکته همراه با ادله نقضی و اثباتی دیگر، دلالت بر عدم حقانیت زوجه است.

۲.۳. دیدگاه نگارندگان

از مجموعه ادله‌ای که به تفصیل از طرف موافقین و مخالفین بیان شده است، نگارندگان با توجه به ترافعات انجام شده معتقد به نظر نفی وجود حق طلاق بر زوجه می‌باشند. عدم تحقق عنوان «عقیم بر زوج» در کثیره موارد و حکم به صدق ولد در اکثر موارد ژنتیکی که - در فوق بیان شد - می‌تواند تمایل اصلی نگارندگان را به خوبی نمایش دهد، اما هنوز یک مسئله مهم باقی است که باید به آن پاسخ داد؛ درجایی که ایجاد جنین با دخالت ثالث از طرفین است و مرد، عقیم مطلق می‌باشد: آیا همچنان می‌توان به انکار حق طلاق برای زوجه تأکید نمود؟

۱. برای تبیین و امکان قضاوت براساس مقاصد شریعت و فهم جامع موضوع نک: ابوالقاسم علیدوست، فقه و مقاصد شریعت، نشریه فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی) (قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۴)، ج ۴۱، ص ۱۲۲ به بعد.

۲. برای نمونه در امکان افتاء و قضاء در استناد به مذاق شریعت نک: سیدابوالقاسم خویی، التنقیح فی شرح العروة الوثقی، مؤلف: میرزاعلی غروی (بی‌جا، بی‌تا)، ج ۱، ص ص ۲۰۰ و ۲۰۲؛ مهدی مهریزی، کتابشناسی اصول فقه شیعه (قم: دفتر تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۴)، ص ۳۴.

بیماری‌های زوج نابارور، عقیم یا سَتْرُونِی^۱ را به بی‌نطفگی یا آزواسپرمی^۲، الیگواسپرمی^۳، تراتواسپرمی^۴ و بیمارهای غیراسپرمی تقسیم نموده‌اند؛ اختلالات جسمی و عفونی و حتی ناشناخته نیز وجود دارند که درصد کمی از موارد ناباروری را به خود اختصاص داده‌اند. تقریباً اکثر موارد فوق‌الذکر از لحاظ پزشکی درمان‌پذیر بوده و به دو روش کلی درمان خواهد شد:

• روش اول

متناسب با عوامل بیماری می‌توان اسپرم مورد نیاز را در زوج تقویت، تکثیر و اصلاح نمود. حتی در مواردی که مرد، قابلیت تولید اسپرم نداشته بعضاً می‌توان از طریق سلول‌های بنیادین، اسپرم تولید نموده و لقاح را متناسب با وضعیت تخمک از طریق تزریق یا لقاح بیرون از رحم، بارور و سپس وارد رحم زوجه نمود. باروری در موارد فوق‌الذکر بدون در نظر گرفتن نوع درمان‌های مزبور، سبب بروز جنین از اسپرم و تخمک زوج و زوجه می‌باشد و صدق نسب ولادت شرعی به اجماع^۵ و عرف مسلم

۱. سَتْرُونِی یا آسْتْرُونِی: بی‌حاصل، نازا، عقیم؛ واژگان «سترون» و «استر»، از یک ریشه‌اند که معنای ترکیبی آن «آسْتْرمانند» است، زیرا مرکب از «سَتْرُ یا آسْتْر» (فاطر) و پسوند «ون» (شبیبه و مانند) می‌باشد. استر، حیوانی است که از خر نر و مادبان زاید. چون خود نمی‌زاید لذا بدین نام خوانده‌اند.

2. Azoospermia

- اختلالی است که در آن، تعداد اسپرم‌های مرد در مایع منی صفر می‌گردد. مردان دارای این اختلال دارای میل و عملکرد جنسی طبیعی و صفات ثانویه جنسی طبیعی هستند و فقط مشکل باروری دارند.

3. Oligospermia

- به حالتی که غلظت اسپرم (تعداد اسپرم) در منی اندک باشد اطلاق می‌شود. برای نمونه، فردی با تعداد زیر ۲۰ میلیون اسپرم در میلی‌لیتر منی الیگواسپرمی تلقی می‌شود.

4. Teratospermia

- دسته‌ای از علل ناباروری در مردان است که در آن، درصد بسیاری از اسپرم‌ها از شکل نرمال و طبیعی برخوردار نیستند. این دسته از علل ناباروری، در میان مردان شیوع بیشتری دارد.

۵. سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای، **اجوبه الاستفتائات** (لبنان: الدار الاسلامیه لبنان للطباعة و النشر و التوزیع،

۱۹۹۰م)، ص ۱۶۷، س ۱۲۷۱ و ۱۲۷۷؛ روح‌الله موسوی خمینی، **تحریر الوسیله** (قم: دفتر جامعه مدرسین،

۱۳۷۰ هـ ش)، ج ۲، التلقیح، م ۱؛ میرزاچواد تبریزی، **صراط النجاه** (قم: دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶ هـ ق)،

ج ۵، س ۱۰۱۳؛ محمد فاضل‌لنکرانی، **جامع المسائل** (قم: مؤسسه فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۳ هـ ش)،

ج ۱، س ۲۱۰۳ و ۲۱۰۴؛ حسین وحیدخراسانی، **توضیح المسائل** (قم: انتشارات مدرسه باقرالعلوم

علیه‌السلام، ۱۳۸۰ هـ ش)، م ۲۹۰۰؛ سیدعلی سیستانی، **توضیح المسائل** (قم: دفتر نشر اسلامی،

۱۳۷۹ هـ ش)، تلقیح مصنوعی، م ۶۹؛ لطف‌الله صافی‌گلپایگانی، **جامع الاحکام** (قم: دفتر تنظیم و نشر

خواهد بود و لذا در چنین مواردی چنانچه درخواست طلاق به استناد بند ۱۰ را بنماید فاقد وجهت شرعی و قانونی بوده دادگاه می‌تواند حکم به بی‌حقی زوجه نماید.

• روش دوم

در برخی از بیماری‌های مذکور ممکن است تهیه اسپرم از مرد غیرممکن باشد و تقویت، تکثیر یا اصلاح اسپرم زوج امکان‌پذیر نباشد که البته این امر، بسیار شاذ و نادر است. در چنین مواردی علم پزشکی راهکار دیگری دارد و آن استفاده از اسپرم مرد دیگر است که نسب شرعی این مورد، محل اختلاف می‌باشد.^۱ در این موارد، زوج، عقیم مطلق است و شرایط موجود در خصوص بند ۱۰ پس از جری زمان پنج سال حتی با درخواست به دادگاه و دریافت جنین نیز هنوز مرد، عقیم است. حال: آیا با وجود عقیم مطلق بودن مرد و گذشت زمان کافی در بند ۱۰ زن می‌تواند درخواست طلاق مستند به بند مزبور نماید؟ در اینجا بطن سؤالات مطرح‌شده محمل دو نظر است:

• نظر اول

بنا بر اینکه حق، قطعاً برای زن ایجاد شده و زوج، عقیم مطلق است، دریافت جنین موضوع ماده ۲ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور نمی‌تواند مانع استفاده از حق زن شود لذا زن، حق طلاق خواهد داشت.

• نظر دوم

قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور در ماده ۱ مقرر می‌دارد:

← آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ‌علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵ هـ ش.، ج ۲، ص ۱۳۹۲؛ حسین نوری‌همدانی، استفتائات (قم: مهدی موعود، ۱۳۸۹ هـ ش.، ج ۲، ص ۱۳۹۲؛ همان، ج ۱، ص ۹۸۵ و ج ۲، ص ۹۰۳؛ مکارم‌شیرازی، استفتائات، ج ۲، ص ۱۷۵۷؛ محمدتقی بهجت، استفتائات پزشکی (قم: دفتر حضرت آیت‌الله العظمی محمدتقی بهجت، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش)، ص ۲۶۷.

۱. روح‌الله موسوی خمینی، پیشین، التلقیح، م ۲ و ۳؛ میرزاجواد تبریزی، استفتائات، ص ۲۰۹۴؛ محمد فاضل لنکرانی، پیشین، ص ۲۱۰۵؛ حسین وحیدخراسانی، پیشین، م ۲۸۹۸؛ سیدعلی سیستانی، پیشین، تلقیح مصنوعی، م ۶۵؛ لطف‌الله صافی گلپایگانی، پیشین، ص ۱۳۹۱؛ حسین نوری‌همدانی، پیشین، ص ۹۰۸؛ مکارم‌شیرازی، پیشین، ج ۱، ص ۱۵۲۷؛ محمدتقی بهجت، پیشین، ص ۳۵.

به موجب این قانون کلیه مراکز تخصصی درمان ناباروری ذی صلاح مجاز خواهند بود با رعایت ضوابط شرعی و شرایط مندرج در این قانون نسبت به انتقال جنین‌های حاصله از تلقیح خارج از رحم زوج‌های قانونی و شرعی پس از موافقت کتبی زوجین صاحب جنین به رحم زانی که پس از ازدواج و انجام اقدامات پزشکی ناباروری آنها (هریک به تنهایی یا هر دو) به اثبات رسیده اقدام نمایند.

با توجه به عمومیت و شمول ماده فوق‌الذکر باید بیان کرد که به نظر نمی‌رسد روش دخالت اجنبی را نهی کرده باشد و در صورت دخالت اجنبی نمی‌توان حکم به سقوط حق طلاق نمود، فلذا با پذیرش روش دخالت اجنبی و وجاهت قانونی بخشیدن به این روش، باید علی‌رغم اختلاف فقهی موجود، پذیرفت که مقنن نظر گروهی را در فقه پذیرفته است که ولد این روش را مشروع شناخته‌اند^۱ و مدلول ماده ۳ قانون نیز به خوبی وجود حقوق قانونی برای طفل را برای زوجین لازم‌الرعایه دانسته است،^۲ لذا مستند به اینکه این حقوق قانونی مذکور در ماده ۳ جنبه حق و تکلیف داشته، و زوجه با مراجعه به دادگاه و درخواست اهداء جنین، شروط قانونی اشاره شده در قانون مزبور را پذیرفته است. پس با توجه به پذیرش حقوق قانونی مذکور در قانون در حقیقت عمل رجوع به دادگاه با علم و آگاهی از روش دخالت غیر و ناباروری مرد، موجب اسقاط حق طلاق زوجه می‌شود.

۳. نتیجه‌گیری

به‌طور قاطع می‌توان گفت در صورت مراجعه زوجه به دادگاه، و متمسک شدن وی به استفاده از حقوق قانونی ماده ۲ قانون نحو اهداء جنین، در تمام صور مطروحه، حق استناد به بند ۱۰ سند ازدواج را نخواهد داشت.

۱. سیدعلی حسینی‌خامنه‌ای، پیشین، ص ۳۰۴، س ۱۲۷۱، ۱۲۷۵ و ۱۲۷۷؛ سیدمجتبی حسینی، رساله دانشجویی، (قم: دفتر نشر معارف، چاپ اول، ۱۳۹۲)، ص ص ۲۹۲-۲۹۳، ص ص ۴۷۵-۴۷۷.

۲. ماده ۳ قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور: «وظایف و تکالیف زوجین اهداء‌گیرنده جنین و طفل متولدشده، از لحاظ نگهداری و تربیت و نفقه و احترام، نظیر وظایف و تکالیف اولاد و پدر و مادر است.»

فهرست منابع:

فارسی و عربی

قرآن کریم

- ❖ ابن منظور، محمد بن مکرم، **لسان العرب المحيط**، به کوشش یوسف خیاط و ندیم مرعشلی (بیروت: دار لسان العرب، ۱۳۸۹ هـ ق. / ۱۹۷۰ م.
- ❖ بهجت، محمد تقی، **استفتائات پزشکی**، قم: دفتر حضرت آیه الله العظمی محمد تقی بهجت، چاپ اول، ۱۳۸۸ ش.
- ❖ تبریزی، میرزا جواد، **صراط النجاة**، ج ۵، قم: دفتر نشر برگزیده، ۱۴۱۶ هـ ق.
- ❖ جزایری، محمد جعفر، **منتهی الدراییه فی توضیح الکفایه**، ج ۳، قم: مؤسسه دارالکتاب، ۱۴۱۵ هـ ق.
- ❖ حاتمی، علی اصغر، «**لقاح مصنوعی از دیدگاه حقوقی**»، نشریه دیدگاه‌های حقوقی قضایی، ش ۱۵ و ۱۶، ۱۳۷۸.
- ❖ حرّ عاملی، شیخ محمد بن حسن، **وسائل الشیعۀ فی تحصیل مسائل الشریعۀ**، ج ۴ و ۲۱، قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام لإحياء التراث، ۱۴۰۹ هـ ق.
- ❖ حسینی، سید مجتبی، **نام رساله دانشجویی**، قم: نشر معارف، ۱۳۹۲.
- ❖ حسینی خامنه‌ای، سید علی، **اجوبه الاستفتائات**، لبنان: الدار الاسلامیة لبنان للطباعة و النشر و التوزیع، ۱۹۹۰ م.
- ❖ حکمت‌نیا، محمود و دیگران، **فلسفه حقوق خانواده**، ج ۲، تهران: شورای فرهنگی - اجتماعی زنان تهران، ۱۳۸۶.
- ❖ خوبی، سید ابوالقاسم، **التنقیح فی شرح العروه الوثقی**، ج ۱، مؤلف: میرزاعلی غروی، بی‌جا، بی‌تا.
- ❖ _____، **مستحدثات المسائل مطابقه لفتاوی سماحه الامام المرجع الاعلی للمسلمین زعیم الحوزه العلمیه**، ج ۱، بغداد: مطبعه الآداب بغداد، ۱۴۰۱ هـ ق.

- ❖ سیستانی سیدعلی، **توضیح المسائل**، قم: دفتر نشر اسلامی، ۱۳۷۹ هـ ش.
- ❖ شهیدی، مهدی، **شروط ضمن عقد**، تهران، انتشارات مجد، چاپ اول، ۱۳۸۶.
- ❖ صافی گلپایگانی، لطف‌الله، **جامع الاحکام**، ج ۲، قم: دفتر تنظیم و نشر آثار حضرت آیت‌الله العظمی حاج شیخ علی صافی گلپایگانی، ۱۳۸۵ هـ ش.
- ❖ صدر، محمدباقر، **بحوث فی علم الأصول**، ج ۳، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی بر مذهب اهل بیت علیهم السلام، ۱۴۱۷ هـ ق.
- ❖ صدر، محمدباقر، **دروس فی علم الأصول**، ج ۱، قم: مؤسسه النشر الإسلامی، ۱۴۱۸ هـ ق.
- ❖ طریحی، فخرالدین بن محمد، **مجمع البحرين و مطلع النیرین**، ج ۴، تهران: مؤسسه‌البعثه، مرکز الطباعة و النشر، ۱۳۹۰.
- ❖ عاملی، زین‌الدین بن علی بن مشرف، **مسالك الأفهام إلى تنقیح شرائع الإسلام**، ج ۹، قم: مؤسسه‌المعارف الاسلامیة، ۱۴۱۳ هـ ق.
- ❖ علیدوست، ابوالقاسم، **فقه و مقاصد شریعت**، نشریه فقه اهل بیت علیهم السلام (فارسی)، ج ۴۱، قم: مؤسسه دائرةالمعارف فقه اسلامی، ۱۳۸۴.
- ❖ غزالی، محمدبن محمد، **المستصفی من علم الأصول** (به ضمیمه فواتح الرحموت بشرح مسلم الثبوت)، ج ۱، بیروت: دارالارقم بن ابی-الارقم، بی تا.
- ❖ فاضل لنکرانی، محمد، **جامع المسائل**، ج ۱، قم: مؤسسه فقهی ائمه اطهار، ۱۳۸۳ هـ ش.
- ❖ **قانون نحوه اهداء جنین به زوجین نابارور**، مصوب بیست و نهم تیرماه یکهزار و سیصد و هشتاد و دو مجلس شورای اسلامی.
- ❖ کاوه، محمد، **آسیب شناسی بیماری های اجتماعی**، ج ۱، تهران: نشر جامعه‌شناسان، چاپ اول، ۱۳۹۱.

- ❖ مدنی، سیدجلال‌الدین، **حقوق مدنی**، ج ۸، تهران: نشر پایدار، ۱۳۸۲.
- ❖ مرقاتی، سیدطه، «نسب ناشی از لقاح مصنوعی با دخالت عامل بیگانه»،
نشریه مقالات و بررسی‌ها، ش ۷۵، ۱۳۸۳.
- ❖ ملک‌زاده، فهیمه، «بررسی مسئله لقاح مصنوعی با رویکرد فقهی –
حقوقی»، **نشریه فقه و حقوق خانواده**، ش ۴۸، ۱۳۸۷.
- ❖ موسوی خمینی، روح‌الله، **تحریر الوسیله**، ج ۲، قم: دفتر جامعه مدرسین،
۱۳۷۰ هـ ش.
- ❖ مهریزی، مهدی، **کتابشناسی اصول فقه شیعه**، قم: دفتر تبلیغات
اسلامی، ۱۳۷۴.
- ❖ نائینی، محمدحسین، **أجود التقریرات**، ج ۱، قم: مطبعة‌العرفان، چاپ
اول، ۱۳۵۲ هـ ش.
- ❖ نجفی، محمدحسن، **جواهر الکلام**، ج ۲۹، بی‌جا، بی‌تا.
- ❖ نقیعی، سیدابوالقاسم و سیدمحمدعلی صدرطباطبایی، «جایگاه توالد و
تناسل در حقوق و اخلاق اسلامی»، **نشریه اخلاق زیستی**، دوره ۵،
ش ۱۷، ۱۳۹۴.
- ❖ نوری‌همدانی، حسین، **استفتائات**، ج ۱ و ۲، قم: مهدی موعود، ۱۳۸۹
هـ ش.
- ❖ وحیدخراسانی، حسین، **توضیح المسائل**، قم: انتشارات مدرسه
باقرالعلوم علیه‌السلام، ۱۳۸۰ هـ ش.

انگلیسی و فرانسه:

- ❖ Cazeneuve, Jean, *L'avenir de la morale*, Editions du Rocher, 1998.
- ❖ Schneider, David, *A Critique of the Study of Kinship*, Ann Arbor: University of Michigan Press, 1984.